

## فرمان خلیفہ الخلفاء سید ابراہیم از

شاہ سلطان حسین صفوی

یا محمد یا علی

بسم الله الرحمن الرحيم

یا محمد یا علی

الحمد لله الذي غسل ذنوب التائبين بمياه التوبة والاستغفار وصقل مرآت قلوب العارفين بمصاقل الطاعات والاذكار وجعل صدور الذاكرين منورة بأنوار المعارف والاسرار... وصلواته وتسليماته التامات الذاكيات على سبدا الاولين والاخرين وخاتم الانبياء والمرسلين محمد المصطفى وعلي ابن عمه واخيه وخليفة من بعده ووصيه اسد الله الغالب وغالب كل غالب ومطلوب كل طالب متظهر العجائب و مظهر الغرائب ومفرق الكنائب امير المؤمنين وامام المتقين ويعسوب الدين علي بن ابي طالب واله الابرار الاخيار الذين اذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهراً.

وبعد بررای ارباب الباب واصحاب آداب پوشیده و ستیر نیست که از طرق مختلفه ارباب سلوک و ارشاد و سبل متنوعه اصحاب فوز و فلاح که دامن همت بلوث مشتهیات نفسانی و بوساوس و هوا جس شیطانی نیاوده همگی همت خود را باقناء مآثر و کمالات روحانی و اقتضاء فیوضات سبحانی مصرف و معطوف داشته اند اقرب و اسوی طرق بسوی مقصود اصلی طریق قویم و مسلك مستقیم حضرات مشایخ عظام کرام صفیه صفویه است که بلاشک حجال قلوب مستنیره ایشان از مشکوة معارف لاهوتی و مصباح عوارف ملکوتی بمصدق الله نور السموات ینهدی الله لنوره من یشاء استضاءت پذیرفته ، لاجرم جهت دلالت و هدایت اصحاب جهالت و غوایت نصب خلفاء دین دار و اماناء دیانت شعار در هر قطر از اقطار بلاد مسلمین و بر هر مصری از اصاب عباد مؤمنین بردمت و الانهت مرشدانه واجب و لازم و فرض و متحتم است که لب تشنگان بوادی ضلالت و سرگشتگان فیافی جهالت را بعین- الحیوة انابت دلالت نمایند...

چون در این وقت سیادت و خلافت پناه سید ابراهیم خلیفه برادرزاده سید میرزاخان خلیفه بدر گاه جهان پناه آمد صورت ارادت و اخلاص خود را بر ضمیر منیر اشرف و واضح و لایح گردانید و شجره مطاعه نواب خاقان طوبی آشیان

قدس مکان. شاه بابا امام انارالله برهانه که در باب خلافت بلده همدان و توابع و  
 درجزین و لواحق شراه و جاروساق (کذا) و خرقان باسم سید میرزاخان عم  
 مشارالله صادرگشته ابراز و عرض نمود که عم اوفوت شده و اولادی از او نمانده  
 و برطبق ادعای خود محضراً بمهررفت و معالی پناهان بر خورداریگ و نظر  
 علی بیگ یوزباشیان مشعر بر استحقاق و قابلیت مومی الیه ظاهر ساخته استدعای  
 خلافت محال مذکوره جهت خود نمود. ایجاباً لمسؤله خلافت محال مزبوره  
 کماکان بسیادت و خلافت پناه مشارالله مفوض و مرجوع فرموده. ارزانی داشتیم  
 که طالبان خود را بعد از تحقیق حال و تنقیح استحقاق و استیصال بناج و هاج  
 سرافراز فرموده ایشان را بولایت اهل بیت کرام علیهم التحیه والا کرام و جمیع  
 مفروضات و مسنونات عبادات و طهور و اغتسال و اقامه صلوات خمس و اداء زکوة  
 و خمس و صوم شهر رمضان و حج بیت الله الحرام و عمره و زیارت مدینه طیبه حضرت  
 خیرالانام علیه و آله الصلوات و السلام و ایتاء حق یوم الحصاد و ماعون و حق معلوم  
 للسائل و المحروم و اصطناع معروف و اطعام طعام و قرض حسن و صلہ ارحام و  
 عدل و احسان و توفیه مکمال و میزان و بر والدین و دوام اذکار و قیام لیل و صیام  
 نهار و مکارم اخلاق و محاسن اطوار و سایر طاعات و عبادات منشورو مشغول  
 گرداند. و از محرمات افعال و منہیات اقوال و شرک بالله و انکار ما انزل الله و حق  
 آل رسول الله و قتل ناحق و اکل میته و دم ، و لحم الخنیر و سایر مافی الاته شریفه و  
 مال ایتم و قذف محصنات و شرب خمر و مسکرات و ارتکاب سرقه و میسره و  
 لواطه و زنا و ربا و ریا و اقسام حرام و یأس من روح الله و امن لمکراته و سحر و  
 عقوق و یمین غموس و نقض عهد و خلف وعد و منع زکوة و ماعون و ترک صلوة و ما  
 فرض الله و نکاح امهات و سایر من فی الایة المقدسه و رؤیت عورات اجنبیه و کتمان  
 شهادت و شهادت زور و تصرف مال غیر و کذب مطلق و کذب علی الله و علی حجج الله  
 و غیبت و بهتان و تکذیب انبیاء و جحود اوصیاء علیهم صلوات الله و التحایا و رکوب  
 فواحش ما ظهر منها و ما بطن و تطفیف کیل و حنف و صیت و خدعه و خیانت و لهور و لغو  
 و تترمز من امیر و معارف و فحشا و منکر و بقی و انتهاک معاصی و اصرار آن و سایر  
 مایکون من هذا القبیل منع و زجر نموده و در هر باب از شریعت غراء نبوی و ملت  
 بیضاء اثنی عشری و آداب و اطوار مشایخ عظام و کرام صفوی اصلاً و مطلقاً عدول  
 و انحراف نورزد و هر کس از طالبان او از طریق آداب مشایخ مزبوره تخلف  
 نماید موافق طریقت و آداب و قانون شریعت غراء تنبه و تأدیب نماید...

سبیل طالبان و مریدان او، آنکه سیادت پناه مومی الیه را خلیفه خود و  
 نصب کرده نواب همایون ما دانسته او امر و نواهی مشروعه او را مطیع و منقاد  
 باشند و اصحاب طریقت و درویشان تکایا و زوایا بر نهج مسطوره عمل نموده از سخن

وصلاح حسابی و شرعی او که در باب آداب مشایخ گوید بیرون نروند و رعایت و مراقبت و اعزاز و احترام او را لازم دانند، سادات عظام و حکام کرام و داروغگان و ارباب و اهالی و کلانتران آن ولایت حسب المسطور مقرر دانسته در امداد و اعانت مشارالیه کوشیده و تقصیر ننمایند و احدی از خلیفه های آن حدود در طالبان مومی الیه مدخل نسازد و در این باب قدغن دانسته هر ساله شجرهٔ مجده نطلبند.  
تحریراً فی شهر صفر ۱۱۰۹

مهر شاه سلطان حسین در وسط فرمان در حاشیه خورده شده، دور مهر نقاشی است. وارث ملك سلیمان جهان سلطان حسین ۱۱۰۵، در حاشیهٔ مهر رباعی نوشته شده است که خواندن مشکل بود در پشت فرمان نوشته است «... از قرار نوشته تولیت و خلافت پناه و عزت و عوانی دستگاه خلیفه الخلفائی سراجا للتولية و الخلافة ابوالقاسم بیگ ایوا اغلی شاملو.

\*\*\*

این فرمان که در نوع خود کم نظیر است فرمان خلافت یکی از مجال کشور است که در زمان صفویه معمولاً صادر میشده است، در کنار هر سطری عمودی با خط طلائی کلماتی نوشته شده است که خواندن آن خالی از صعوبت نیست.